

شرح رساله حقوق امام سجاده (علیه السلام)

حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج علی اکبری



حق السمع

جلسه نهم

۱۳۹۳/۰۲/۲۸

## فهرست

- قلب از شنیده‌ها تأثیرپذیر است
- آثار هم‌نشینی با مردان الهی
- خوب گفتن، اثر خوب شنیدن است
- در جستجوی سخنان حکیمانه
- نمونه‌ی شنیدنی‌های کریمانه
- چو قرآن خوانند دیگر خموش
- برایم قرآن بخوان!
- ثواب شنیدن قرآن کریم
- ادب استماع قرآن کریم

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## قلب از شنیده‌ها تأثیرپذیر است

نعمت شنوایی یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که خداوند متعال و مهربان آن را دروازه و مقدمه‌ای برای دستیابی به سایر نعمت‌ها قرار داده است؛ بنابراین توقع شکر آن را دارد. بعد از شکر نعمت شنوایی، توقع دیگر خداوند از ما، حفاظت و صیانت آن است که با کلمه‌ی زیبای «تَنْزِیْه» درباره‌اش صحبت شد که عبارت است از بهره‌برداری شایسته از این نعمت. در جلسه‌ی گذشته اشاره‌ای داشتیم به اینکه دریافت‌کننده قلب و روح ما است که آن هم پیش خدای متعال خیلی گرامی است تا آنجایی که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «الْقَلْبُ حَرَمٌ اَللّٰهِ فَلَا تُسْكِنُ فِیْ حَرَمِ اللّٰهِ غَیْرَ اللّٰهِ»<sup>۱</sup> قلب حرم خدا است؛ پس در حرم خدا غیر خدا را جای مده». قلب ما خانه‌ی خدا، مسجد جامع وجود، محل نگاه و توجه حضرت حق و دریافت‌کننده‌ی اصلی از عالم معنا است. با این همه عظمت و زیبایی و کرامت، چیزی که شما به قلبتان می‌رسانید، باید با آن تناسب داشته باشد و آن هم باید کریم و ارجمند باشد؛ یعنی باید با واردات و قلب هماهنگی وجود داشته باشد. این آن کاری است که انسان خردمند انجام می‌دهد. خدای متعال در قرآن کریم، انسان خردمند را برای شنوایی‌اش شخصیتی به‌گزین و انتخاب‌گر معرفی می‌کند که از بین خوب و خوب‌تر - نه بین خوب و بد - انتخاب می‌کند. حتی از بین فراتر، از بین خوب‌ها، خوب‌ترین را انتخاب می‌کند: «الَّذِينَ

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۵.

يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛<sup>۲</sup> همان‌هایی که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند». «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ»، به‌گزینی است. اینها کسانی هستند که خدای متعال به آنها بشارت می‌دهد، اینها سعادت‌مند هستند. کسانی که سخنان را می‌شنوند و از بین آنها بهترینش را رهگیری و پیگیری می‌کنند و سپس اجازه‌ی ورود به قلب می‌دهند؛ چون اگر سخنی این امکان را پیدا کرد که وارد قلب شما بشود - چه خوب چه بد - شما تابعش می‌شوید و دنبالش می‌روید؛ چنان‌که سیدالسادین (علیه السلام) فرمودند: «بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ». بنابراین انسان خردمند فقط بهترین‌ها را راه به قلبش می‌دهد و تابع بهترین‌ها می‌شود. اصل به‌گزینی ذیل خرد است و کسی از قوه‌ی عقلانی بهره‌مند است که تربیت‌شده‌ی محضر قرآن و عترت باشد؛ چراکه عقل انسان در پرتو قرآن و عترت شکوفا می‌شود. در هر صورت این آن قاعده‌ی اصلی است.

امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در اینجا فرمودند: «إِلَّا لِفَوْهَةٍ كَرِيمَةٍ»، مگر سخنان قیمتی و ارجمند و پر بها و مفید و سودمندی که وقتی وارد قلب شد، یا حالت خوشی را برای قلب انسان فراهم کند؛ یعنی قلب شما را آباد، مصفاً و نورانی کند و به آن حیات بدهد، بیدارش کند. یا در شخصیت شما اخلاق شایسته‌ای را بنیان‌گذاری می‌کند. این دو تعبیری بود که امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در اینجا استفاده کردند: «تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْرًا أَوْ تَكْسِبُ خُلُقًا كَرِيمًا» که به این ترتیب تو به وسیله‌ی این شنیدن از جایگاه رفیع و ارزشمند توانستی در وجود خود خیر را بنیان‌گذاری کنی و اخلاق شایسته را در خودت پدید بیاوری.

همه‌ی حرف روی عبارت «فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ» است. به این ترتیب شکرگزاری انجام می‌شود. وقتی که شما عظمت قلب خودتان را شناسایی کردید، قیمت شخصیت خودتان را شناختید، برای خودتان، جانتان، نفستان و روحتان ارزش قائل شدید، دیگر این در

را به روی هر کسی باز نمی‌کنید که هر کس و ناکسی بخواهد وارد بشود یا قلب ما تبدیل بشود به چهارسوق. در گذشته‌ها بازارهای خیلی شلوغ جاهایی داشت که مرکز تمام ترددها بود و به آن چهارسوق می‌گفتند. مواظب باشید دلتان چهارسوق نشود. بازاری نشود که هر کسی بیاید و هر کسی برود. میهمان قلبتان را انتخاب کنید. این می‌شود شکر. نتیجه‌اش چیست؟ نتیجه‌اش شکوفایی شخصیت و رشد است. در بین امکاناتی که خدای متعال به ما داده، هیچ‌یک از آنها به اندازه‌ی گوش‌های ما و قدرت شنوایی ما سودرسان به قلب ما نیستند؛ چنان‌که هیچ‌کدام از آنها به اندازه‌ی گوش و شنوایی ما ضرررسان به قلب نیستند! اینجا دقت و مراقبت می‌خواهد که همان بحث «تنزیه» و حقّ اوّل بود که درباره‌ی آن مفصلاً صحبت کردیم.

پس از مراقبت و «تنزیه»، نوبت به مرحله‌ی انتخاب می‌رسد. حالا باید سراغ بهترین‌ها بروید. تا این مطلب مطرح می‌شود نکته‌ی لطیفی بلافاصله خودش را نشان می‌دهد و آن نکته‌ی بسیار زیبا عبارت است از اینکه با چه کسی هم‌نشین باشیم؟ چون سخن ما را به سخنگو منتقل می‌کند؛ لذا انتخاب بهترین‌ها در مقام سخن و شنیدن شما را منتقل می‌کند به انتخاب بهترین گوینده‌ها. از همین‌جا شما منتقل می‌شوید به یک مطلب بسیار دقیق که باب فوق‌العاده‌ای است و اتفاقاً با فصل بهار که الان در آن هستیم، رابطه دارد. پیامبر عظیم الشان فرمودند: «إِغْتَمِمُوا بَرْدَ الرَّبِيعِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ بِأَبْدَانِكُمْ مَا يَفْعَلُ بِأَشْجَارِكُمْ...»<sup>۳</sup> غنیمت بدانید هوای بهار را، زیرا که با بدن‌های شما همان می‌کند که با درختان می‌کند. باد بهار همان‌طور که درخت‌ها را از خواب زمستانی بیدار می‌کند، سرزنده می‌کند، به برگ و بار می‌نشانند، شکوفه‌ها را به ثمر می‌رساند، با شما هم همین کار را انجام می‌دهد.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۷۱، ح ۶۹.

مولوی که جزء شخصیت‌های نکته‌سنج ما است، می‌گوید که اهل ظاهر وقتی این حدیث را می‌شنوند، معنای ظاهری‌اش را می‌گیرند و اینکه انسان خودش را از خنکای نسیم بهار قایم نکند: گفت پیغمبر به اصحاب کبار / تن مپوشانید از باد بهار. زیرا باعث سرزندگی جسم و سلامتی و نشاط شما می‌شود. اما مولوی آن را طور دیگر تفسیر می‌کند و می‌گوید این حدیث شریف نبوی لایه‌های پنهانی دارد که بالاتر از این حرف است. نسیم بهاری یا «بَرْدُ الرَّبِّیعِ» عبارت است از انسان بیدار، انسان الهی، انسان دانشور که چنانچه با او معاشرت داشته باشی، همان اتّفاقی که در بهار برای درختان و طبیعت می‌افتد، برای دل و جان تو هم آن اتّفاق می‌افتد.<sup>۴</sup>

### آثار همنشینی با مردان الهی

اینها برداشت‌های قرآنی است. کسی با قرآن کریم نشست و برخاست داشته باشد، این فهم لطیف برایش فراهم می‌شود. در تعبیر زیبای قرآن به این مطلب اشاره شده است. یک نمونه‌اش این است که می‌فرماید: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ، وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛<sup>۵</sup> و با کسانی که پروردگارش را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند، شکیبایی پیشه کن، و دو دیده‌ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی». خیلی تعبیر زیبایی است. خداوند به رسول گرامی‌اش فرمان می‌دهد که با کسانی که شب و روز با ملاً اُعلی و باطن عالم ارتباط دارند

۴. راویان این را به ظاهر برده‌اند/ هم بر آن صورت قناعت کرده‌اند. آن خزان نزد خدا نفس و هوا است/ عقل و جان عین بهار است و بقا است. پس به تأویل این بود کافاس پاک / چون بهار است و حیات برگ و تاک.

۵. کهف: ۲۸.

و دائماً مشغول گفتگوی با حضرت حق هستند، همراه باشد. اگر چنین کسانی را پیدا کردی، از آنها چشم بردار و مواظب باش خواسته‌های دنیایی بین تو و آنها جدایی نیندازد. کسانی که روحشان متصل به ملاً اعلی است و روشنان این عالم تاریک هستند، قلبشان مصباح است، مثل خورشید می درخشد و این نور از چشمان آنها ساطع است، از زبان آنها می درخشد و دل و جان شما را روشن می کند، اینها را پیدا کنید و با آنها مصاحبت کنید تا معنای زندگی را بفهمید و مزه‌ی زندگی را درک بکنید و بچشید. گرامیان و کریمان و بزرگان را عالم پیدا کنید، آنهایی که روحشان خیلی بزرگ است و از رهگذر مصاحبت با قرآن کریم شخصیتشان کریم و بزرگ شده، با اینها نشست و برخاست بکنید تا مزه‌ی کرامت را بچشید.

از جمله اتفاقاتی که به طور طبیعی در حضور انسان‌های الهی می افتد، شنیدن سخنان آنها است. اگر آنها را پیدا کردید، چنانچه خاموش بودند، آنها را به حرف بیاورید، استیطاق کنید، سؤال کنید، از آنها بخواهید تا سخن بگویند و به این ترتیب، با حسن استماع و ادب استماع، از محضر پرفیضشان بهره ببرید.

امیرمؤمنان (علیه السلام) در بیان زیبایی در نهج البلاغه، دوست الهی‌شان را این گونه توصیف می کند: «كَانَ لِي فِيمَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ...»<sup>۶</sup> که خیلی بیان زیبایی است. حضرت می گویند ویژگی این دوست من این بود که حرصش بیشتر به شنیدن بود تا به گفتن. علاقه اش بیشتر بود که بشنود؛ لذا سکوت و حُسن استماع داشت و ادب شنیدن در او موج می زد.

انسان خردمند در جستجوی این درّ و گوهرها است و خودش را به دریا‌های پرگوهر که انسان‌های خردمند هستند می رساند و آنجا که رسید، مشغول صیادی می شود که این

۶. نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹.

صیادی و دریافت، همان حُسنِ اِشْتِمَاع است. خوب شنیدن کلید به دست آوردن معارف الهی و نکته‌های ناب است.

### خوب گفتن، اثر خوب شنیدن است

شنیدن، غذای روح و رشدهنده‌ی قوای درونی انسان است. می‌خواهم تعبیری بالاتر را بگویم. خوب شنیدن و شنیدن خوب، وقتی که استمرار پیدا بکند، شنوایی دل شما را فعال می‌کند. توضیح آنکه ما یک قوای درونی داریم که در روایات ما به زیبایی و ذیل آیات کریمه‌ی قرآنی اینها به حواس قلب و دل تعبیر شده است. همان‌طور که حواس ظاهری داریم، دارای حواس باطنی هم هستیم. همان‌گونه که زبان ظاهری داریم، از زبان دل نیز برخوردار هستیم. علاوه بر چشم ظاهری، چشم دل هم داریم. گوش ظاهری داریم، گوش دل هم است. بین هر کدام از این حواس ظاهری و حواس قلبی و باطنی ما ارتباط ویژه و متنوعی برقرار است؛ اما بین هر کدام یک ارتباط دقیقی هم وجود دارد. اگر انسان، طبق حق اول، از شنوایی‌اش مراقبت کند و تمیزش نگه دارد، و طبق اصل دوم در شنیدن‌هایش به‌گزینی کند و بهترین‌ها را انتخاب کند و طبعاً بهترین سخنگوها و بهترین دوستان را انتخاب کند، نتیجه فوق‌العاده‌ای خواهد گرفت. بر اثر استمرار گوش دل فعال می‌شود، آن‌وقت شما چیزهایی می‌شنوید و می‌نیوشید که تا حالا نشنیده بودید. نیوشیدن چشمه گفتن را می‌جوشاند، ارتباط ملکوتی را برقرار می‌کند و به این ترتیب از انسان معارف و زیبایی‌ها تراوش می‌کند؛ چنان‌که گفته‌اند: «از کوزه همان برون تراود که در او است».

مسئله‌ی اصلی‌تان باید این باشد که بتوانید از او بشنوید. منتها در کنارش اتفاقات دیگری هم می‌افتد. شنیدن سخنان مفید و شایسته - «حَسَن» و «أَحْسَن» به تعبیر قرآن کریم - مثل باران بهاری دل را زنده می‌کند؛ بارانی که: «إِهْتَرَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتُ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيحٌ»<sup>۷</sup>



به جنبش درمی آید و نمو می کند و از هر نوع [رستنی های] نیکو می رویاند». چطور باران می آید و یک دفعه تمام محیط اطراف ما متفاوت می شود، استعدادهایی که در قلب و در روح ما تعبیه شده، با شنیدن سخنان پاک و پاکیزه کننده، می جوشد و سر می زند و بیرون می آید و تجلی می کند. گاهی وقت ها سخنان خوب مثل نسیم صبح بهاری فرح بخش است؛ یعنی یک جور نشاط معنوی در انسان درست می کند.

خدا می داند که نمی شود توضیح داد وقتی که از یک انسان الهی می شنوید، چه اتفاقی برایتان می افتد! چه نشاطی، چه فرحی، چه انبساطی در آن لحظات برای شما پیش می آید! من که این حرف ها را می زنم، خیلی برایم پیش آمده که این وضعیت برایم پیش بیاید و خوشه چین معرفت استادان والامقام خود (رِضْوَانُ اللّٰهِ تَعَالٰی عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ) باشم؛ مخصوصاً حضرت آیت الله العظمی بهجت که از این نظر در اوج قرار داشت. سخنان آنان مثل نفس صبح بهار، فرح بخش است و برای انسان انبساط خاطر پیش می آورد. گاهی این شنیدن ها در وسط آشفته بازار دنیا، چنان شما را آرام می کند و غلیان های مادی را می خواباند که می توانید مزه ی اطمینان و آرامش را در آن لحظات احساس کنید؛ مثل یک خواب سبک، یک رؤیای شیرین، مثل حضور در کنار دریا و امواج آرام دریا است. یا نه؛ مثل سکوت نیمه شب در برابر پهنه ی آسمان پر از ستاره است. چه احساس آرامشی به انسان دست می دهد؟ اینها را باید درک و پیدا کرد. قرآن که می گوید: «وَأَصْبِرْ» مقدمه ای دارد. این افراد را پیدا کن و بعد از پیدا کردن آنها را از دست نده و مواظب باش دنیا بین تو و آنها فاصله نیندازد.

### در جستجوی سخنان حکیمانه

رسیدیم به این جمله: «فَوَهَّهٖ كَرِیْمَةً» حق دوم حق بزرگی است و ما باید این حق گوشمان را ادا کنیم. باید دنبالش برویم. خیال نکنیم که اگر بنشینیم، سخنان زیبا و دلکش می رسد. طلب می خواهد، شوق می خواهد، توسل می خواهد، از خدا خواستن می خواهد. گاهی حتی دربه دری می خواهد، گاهی سفر می خواهد، هجرت می خواهد، خواهش می خواهد،

گوهرشناسی می‌خواهد. خَزَف و شیء بی‌ارزشی که نیست؛ گوهر نایاب است. باید بگردی تا پیدایش کنی و تازه پیدایش که کردی، نباید از دستش بدهی.

سخنان حکیمانه خیر کثیر است: «يُوتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُوتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»<sup>۸</sup> [خدا] به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است». این خیر کثیر را خدای متعال به هرکسی نداده، این حکمت است و انسان حکیم را باید پیدا کرد. اگر کسی حکیم نداشته باشد، در معرض هلاک است: «هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ»<sup>۹</sup> هلاک شده کسی که حکیمی برای او نیست تا او را ارشاد کند». باید خودتان را به حکیم برسانید تا ارشاد شوید.

گاهی کنار بعضی از استادانمان احساس می‌کردیم که کنار دریا ایستاده‌ایم؛ با همان بزرگی و ژرفا. چرا باید این فرصت‌ها را از دست بدهیم؟ چرا خودمان را به شنیدن‌های عادی - نمی‌گوییم سخنان بد؛ تکلیف آن را قبلاً روشن کردیم - و سخنان معمولی عادت داده‌ایم؟ چرا خودمان را این قدر دست‌کم می‌گیریم؟ چرا باید به خودمان این قدر چوب بزیم؟ چرا باید خودمان را این قدر کاهش بدهیم؟ خودت را بزرگ کن، عزیز کن، با عزیزها بنشین، با بزرگ‌ها بنشین.

عمر ما بسیار کوتاه است. نوبهار است در آن کوش که خوش‌دل باشی / که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی. یک‌وقت چشم باز می‌کنی و می‌بینی ما زیر خاک هستیم؛ وقت زیادی نداریم.

۸. بقره: ۲۶۹.

۹. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹.

## نمونه‌ی شنیدنی‌های کریمانه

فَعَّال‌سازی گوش دل و در کنارش به تعبیر زیبایی که در روایات ما است، بهاری کردن، بیدار کردن، به خود آوردن دل و رساندنش به نقطه‌ی فتح قریب و فتح مبین و توسعه دادن شخصیت، وقتی امکان‌پذیر است که شما گوشتان را کنار یک زبان کریم بگذارید. قرآن کریم و روایات ما، به ما نشان داده‌اند که گوش دلمان را به روی چه سخنانی باز کنیم. من چند نمونه عرض می‌کنم و امیدوارم خداوند تبارک و تعالی توفیق بهره‌برداری به گوینده و شنونده را بدهد و نهایتاً هم به ما توفیق بدهد که ان‌شاءالله نغمه و موسیقی ملکوت را بشنویم. ان‌شاءالله خدای متعال این توفیق را به ما بدهد تا بتوانیم صدای پای فرشته‌ها را بشنویم، بتوانیم آوای دل‌انگیز ولیّ خدا و حجت کامل حق را بشنویم.

اولین مصداق از شنیدنی‌های ویژه و کریم و بیدارکننده، قرآن کریم است که چه می‌شود گفت درباره‌ی قرآن؟! امکانی فوق‌العاده‌ای که قرآن کریم برای ما فراهم می‌کند، عبارت است از تماشای عالم از چشمان خداوند. این امکانی است که قرآن برای ما فراهم می‌کند و پرده‌ها را یکی پس از دیگری از چشم دل ما کنار می‌زند و امکان شنیدن صدای خداوند را برای ما فراهم می‌کند. قرآن کریم صدای خدا است که در گوش عالم پیچیده است و کاری که شما باید انجام بدهید این است که صدای خدا را به گوش دلتان برسانید؛ همین و فقط همین. البته خیال نکنید این، کار آسانی است؛ البته خیلی سخت نیست؛ ولی خیلی هم آسان نیست. مقدماتی دارد که باید فراهم شود.

## چو قرآن خوانند دیگر خموش

آیه‌ی شوق‌انگیزی که در این باره داریم که همه‌ی عزیزان مکرر شنیده‌اند و از حفظ هستند، این است: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۱۰</sup> و چون قرآن خوانده شود، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید، امید که بر شما رحمت آید. عبارت «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» در اینجا عبارت فوق‌العاده‌ای است. هنگام تلاوت قرآن ادب چیست؟ «إِسْتِمَاع» است؛ «فَاسْتَمِعُوا لَهُ» گوشتان را به قرآن بسپارید و پیوستش، گوش دلتان را به قرآن بسپارید. «وَأَنْصِتُوا» این ادب است؛ یعنی با همه‌ی وجودتان خودتان را در اختیار قرآن بگذارید و سکوت کنید. «إِنْصَات» سکوت فعال است؛ نه سکوت منفعل. سکوت فعال یعنی حُسنِ إِسْتِمَاع. یعنی به زبان عامیانه دوتا گوش داری دوتا گوش دیگر هم قرض کن و با همه‌ی وجودت گوش کن. بعضی‌ها را دیدم که أَنْصِتُوا را خوب معنی نمی‌کنند و می‌گویند قرآن که خوانده می‌شود، سکوت کنید. در حالی که این کلمه یعنی تمام دل و همه‌ی شنوایی‌ات را بر قرآن عرضه کن. تمام ظرفیت شنیدنت را به محضر قرآن بیار. با عبور از خیلی از مقدمات - که ما در اینجا در مقام بیانش نیستیم و برنامه‌های مکرر و جداگانه می‌خواهد - می‌خواهم عرض کنم که یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که می‌تواند در زندگی انسان بیفتد، «إِسْتِمَاع قرآن» است.

آیا اساساً گوش ما جز برای شنیدن آیات الهی خلق شده است؟! من یک کلمه بالاتر بگویم و باز از خود قرآن کریم استفاده می‌کنم، آیا اساساً همه‌ی این عالم جز برای رساندن صدای خداوند به دل انسان خلق شده است؟ خود خدا که می‌گوید: نه. سوره‌ی مبارکه‌ی طلاق را مراجعه کنید. البته طلاق امر مبارکی نیست، اما سوره‌اش سوره‌ی مبارکی است و شروع و

پایانی بسیار دلپذیر دارد! در آیه آخر سخن از این است که خدای متعال آسمانها را خلق کرده، زمین را هم خلق کرده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا؛ خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین را آفرید. فرمان [خدا] در میان آنها فرود می‌آید، تا بدانید که خدا بر هر چیزی توانا است، و به‌راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است». همه‌ی بساط خلقت برای این است که تو به آن فهم الهی و توحیدی دست پیدا کنی و آن هم به دست نمی‌آید مگر اینکه صدای خدا را بشنوی و چه چیز بهتر از شنیدن آیات منظّم، امین، دسته‌بندی شده و دل‌انگیز قرآن کریم؟ قرآن مافوق همه‌ی عالم و «کَلِمَاتُ اللَّهِ» است. از همه‌جا صدای خدا به گوش می‌رسد؛ اما این، صدای دیگری است. قرآن کریم را قلب مقدّسی در بیست و هفتم ماه رجب یکجا دریافت کرد و این هدیه‌ی بزرگ را طی بیست و سه سال به بشریت تقدیم کرد و به یادگار گذاشت؛ همراه با کسانی که دریافت‌کنندگان و تلاوت‌کنندگان اصلی هستند که همان عترت باشند. جان ما به قربانشان!

### برایم قرآن بخوان

شنیدن قرآن کریم موضوعیت دارد و تا حدی مهم است که پیامبر عزیز ما که خودش دریافت‌کننده‌ی وحی و واسطه‌ی این هدیه‌ی بزرگ برای همه‌ی بشریت تا قیامت است، به جناب ابن مسعود می‌گوید: برایم قرآن بخوان! ابن مسعود شاگرد مخصوص پیامبر عزیز ما است. شخصیت دوست‌داشتنی‌ای که از ویژگی‌هایش اُنس فوق‌العاده با قرآن کریم بود؛ لذا دریافت‌های ویژه‌ای داشته و ظاهراً تلاوت‌کننده‌ی فوق‌العاده‌ای بوده است. پیامبر عزیزمان یک‌وقت خطاب می‌کنند به ابن مسعود و می‌گویند: این مسعود برایم قرآن بخوان. ابن

مسعود گفت: «أَفْرَأُ عَلَيْكَ وَعَلَيْكَ أَنْزَلَ؟ قَالَ: فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْ غَيْرِي؛ من برایت قرآن بخوانم در حالی که قرآن بر تو نازل شده است؟!» حضرت فرمود: «دوست دارم آن را از دیگران بشنوم». ابن مسعود می‌گوید: من شروع کردم به تلاوت تا اینکه به این آیه رسیدم: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»<sup>۱۱</sup> پس چگونه است [حالشان] آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم، و تو را بر آنان گواه آوریم؟». چون به این آیه رسیدم، پیامبر شروع کرد به گریه کردن.<sup>۱۲</sup>

ابن مسعود آیه‌شناس و موقع‌شناس بود و می‌دانست که چه چیزی را باید انتخاب کند و بخواند. در هر صورت، اینجا پیغمبر اکرم چه پیامی را خواسته به همه‌ی ما بدهد؟ پیامی که پیغمبر اکرم می‌دهد این است که شنیدن آیات قرآن موضوعیت دارد. خود شنیدن و استماع، موضوعیت دارد و باید برایش برنامه‌ریزی کرد.

### ثواب شنیدن قرآن کریم

پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در بیان خیلی زیبایی فرمودند: «أَلَا مَنْ إِشْتَقَ إِلَى اللَّهِ فَلَيْسَتْ مَعَهُ كَلَامَ اللَّهِ؛<sup>۱۳</sup> آگاه باشید، هر کس مشتاق خدا باشد، باید کلام (قرآن) او را گوش دهد». در بیان دیگری نیز فرمودند: «يُدْفَعُ عَنْ قَارِئِ الْقُرْآنِ بَلَاءُ الدُّنْيَا وَ يُدْفَعُ عَنْ مُسْتَمِعِ الْقُرْآنِ بَلَاءُ الْآخِرَةِ؛<sup>۱۴</sup> از قاری قرآن، بلای دنیا، و از شنونده‌ی آن، بلای آخرت دفع می‌شود». عجیب است. اگر از تلاوت‌کننده‌ی قرآن و قاری قرآن بلای دنیا دفع می‌شود، از

۱۱. نساء: ۴۱.

۱۲. صحیح بخاری، حدیث ۴۵۸۲.

۱۳. متقی هندی، کنز العمال، حدیث ۲۴۷۲.

۱۴. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۹۲، ص ۲۰.

شنونده‌ی قرآن بلای آخرتی دفع می‌شود. در بیان زیبای دیگری فرمودند: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ مُضَاعَفَةٌ؛<sup>۱۵</sup> هر کس یک آیه از قرآن را گوش دهد، برای او حسنه بسیاری نوشته می‌شود». یعنی حسنه‌ی بی‌پایانی که دائماً خودش را تکثیر می‌کند. در ادامه روایت درباره‌ی کسی که تلاوت می‌کند نیز فرمودند: «وَمَنْ تَلَا آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ و هر که یک آیه از کتاب خدا را تلاوت کند، روز قیامت آن آیه برای او نوری باشد».

### ادب استماع قرآن کریم

پس نکته‌ی پایانی ما در ارتباط با شنیدن قرآن کریم، ادب استماع است. «فَأَنْصِتُوا» یعنی انسان حقیقتاً به آیات قرآنی دل بدهد.

کسی را که آیات قرآن را چشیده، گرفته، استماع کرده، فهمیده، او را پیدا کنید تا برایتان قرآن بخواند.

نکته‌ی دوم این است که صوت زیبا در صورتی که آغشته‌ی با حُزن باشد و قاری هم شخص طاهری باشد - که بِحَمْدِ اللَّهِ در بین قاریان درجه یک ما کم نیستند - اثر فوق‌العاده‌ی دارد.

به بعضی خدای متعال صوت داوودی داده است. آنها هم باید خودشان را قدر بدانند و قدردان این رزق کریم باشند. چقدر ما به منبرهای تلاوت نیاز داریم و اینکه انسان با طیب و آرامش خاطر بنشیند - مخصوصاً اگر در مسجد باشد - و به قرآن کریم گوش جان بسپارد؟

۱۵. متقی هندی، کنز العمال، حدیث ۲۳۱۶.

گاهی که آیات الهی را می‌شنویم، به سجده بیفتیم، اشک بریزیم، دلمان به لرزه بیاید و حالت خشوع قلبی در ما ایجاد شود. در آیاتی از قرآن کریم درباره‌ی ادب شنیدن تعبیرات مهمی آمده است؛ از جمله: «يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا \* وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا \* وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَنْكُونَ»<sup>۱۶</sup> سجده‌کنان به روی درمی‌افتند و می‌گویند: منزّه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام‌شدنی است و بر روی زمین می‌افتند و می‌گریند». به سجده می‌افتند، اشک می‌ریزند. شنیدن سطحی فایده‌ای ندارد. شنیدن عمیقی که قلب را خاشع و چشم را همراه می‌کند و چشمه‌ی اشک را می‌جوشاند، مهم است. امیدوارم خداوند تبارک و تعالی توفیق بدهد بتوانیم گوشه‌ای از نعمت بزرگ قرآن و استماع آن را منتقل کنیم.

خدا را قسم می‌دهم به حقّ صاحب مبعث و به حقّ این ماه که در آن بعثت رخ داده و به حقّ آنچه که نازل شده (قرآن کریم) انس با کلام خودش را و توفیق فهم و استماعش را به لطفش و کرمش روزی همه‌ی ما بفرماید.